

## آذربایجان؛ قلب تپنده انقلاب مشروطه ایران

آذربایجان با شجاعت مردمانش نقش حیاتی در شکل‌گیری جنبش مشروطه خواهی ایفا کرد و با رهبران برجسته و مقاومت‌های مردمی، تاریخ مشروطه را به نقطه عطفی در تحولات سیاسی ایران تبدیل کرد.



آذربایجان با شجاعت مردمانش نقش حیاتی در شکل‌گیری جنبش مشروطه خواهی ایفا کرد و با رهبران برجسته و مقاومت‌های مردمی، تاریخ مشروطه را به نقطه عطفی در تحولات سیاسی ایران تبدیل کرد.

خبرگزاری مهر - گروه استان‌ها؛ جنبش مشروطه خواهی یکی از برجسته‌ترین تحولات اجتماعی و سیاسی در تاریخ معاصر ایران است که تأثیرات عمیقی بر ساختار حکومتی و جامعه ایران داشت. نقش آذربایجان و به ویژه تبریز در این دوران بسیار حائز اهمیت بوده و شایسته بررسی دقیق و جامع است به گونه‌ای که از ۱۴ مرداد ماه یک هفته به نام هفته مشروطه نامگذاری شده است.

آذربایجان همواره به عنوان یکی از کانون‌های اصلی تحولات اجتماعی و سیاسی ایران شناخته شده است. با آغاز جنبش مشروطه خواهی، این منطقه با تقدیم رهبران برجسته، مبارزان و فداکاری‌های بی نظیر، نقشی کلیدی در پیشبرد اهداف این جنبش ایفا کرد.

### پیشینه و زمینه‌های جنبش مشروطه در آذربایجان

آذربایجان با داشتن تاریخچه‌ای غنی از مبارزات و تلاش‌های اجتماعی، بستری مناسب برای ظهور و گسترش جنبش مشروطه خواهی داشت. شهر تبریز به دلیل موقعیت جغرافیایی و اقتصادی خود، همواره مرکز توجه بوده و زمینه‌ساز تحولات سیاسی و اجتماعی بسیاری شده است.

### آذربایجان؛ قلب تپنده انقلاب مشروطه ایران

#### رهبران و شخصیت‌های برجسته آذربایجان در دوران مشروطه

در جنبش مشروطه، آذربایجان رهبران بزرگی را به تاریخ معرفی کرد که با شجاعت و دلاوری خود نقش مهمی در پیشبرد اهداف این جنبش داشتند.

#### ستارخان و باقرخان رهبران مشروطه

ستارخان، که به سردار ملی معروف است، یکی از برجسته‌ترین رهبران مشروطه خواه آذربایجان بود. او با فداکاری و مبارزات خود توانست نقش مهمی در دفاع از مجلس مشروطه و حفظ دستاوردهای این جنبش ایفا کند.

باقرخان، معروف به سالار ملی، نیز یکی دیگر از رهبران برجسته آذربایجان در دوران مشروطه بود. او با رهبری مبارزات مردمی در تبریز، توانست نقش مهمی در پیروزی مشروطه خواهان ایفا کند.

#### نقش زنان آذربایجان در جنبش مشروطه

زنان آذربایجان نیز نقش برجسته‌ای در جنبش مشروطه داشتند. آنان با حمایت‌های مالی و معنوی خود و همچنین شرکت در تظاهرات و مبارزات، به تحقق اهداف مشروطه کمک شایانی کردند.

مردم آذربایجان با تقدیم جان و مال خود، نقش مهمی در پیروزی مشروطه خواهان ایفا کردند. مقاومت‌های مردمی در تبریز و دیگر شهرهای آذربایجان، مثال زدنی و فراموش‌نشده‌ای است. این مبارزات نشان‌دهنده اهمیت و ارزش بالای مشروطه برای مردم این منطقه بود.

جنبش مشروطه تأثیرات عمیقی بر آذربایجان گذاشت. این جنبش باعث بیداری مردم و افزایش آگاهی‌های اجتماعی و سیاسی در این منطقه شد. همچنین، نقش برجسته آذربایجان در این جنبش، باعث ارتقا جایگاه این منطقه در تاریخ ایران شد.

مشروطه تبریز از مشروطه کل ایران پرماجراتر است

استاد تاریخ معاصر کشور در این زمینه گفت: آنچه که در تاریخ مشروطه در تبریز اتفاق افتاد از کل رویداد کشور در دیگر شهرهای ایران عمیق تر، پرماجراتر و تاثیرگذارتر بود.

محمدرضا کائینی اظهار داشت: در حقیقت وقتی مشروطه خواهان در کل کشور توسط مخالفان محدود و مهجور شده بودند آتش این مبارزه از تبریز دوباره روشن و به کل شهرهای ایران صادر شد.

وی افزود: در تاریخ مشروطیت عناصر زیادی دخیل بودند که شامل روحانیت، نیروهای سکولار، بازاریان، زنان و غیره می شد ولی در نهایت مشروطه مسیر منحرف خود را طی کرد و به دست رضاخان قلدر رسید.

کائینی اظهار کرد: متأسفانه تاریخ مشروطه دچار تک گوئی و بیشتر به تاریخ کسروی تبدیل شده است و البته باز تاریخ کسروی کمی انصاف در روایت دارد و آنچه مهم است این است که در تاریخ مشروطه کوتاهی های زیادی شده است.

وی افزود: تعداد تاریخ نوشت و روزنوشت های مشروطه بسیار زیاد است ولی تجمیع شده و جامع نیست از این رو همیشه یک نوشته یا یک کتاب و غیره ملاک ارزیابی می شود که اصلاً خوب نیست.

پژوهشگر تاریخ معاصر بیان داشت: البته این را هم به یاد داشته باشیم که تاریخ را معمولاً همیشه قوم غالب و پیروز می نویسد.

وی با بیان اینکه در تاریخ مشروطه طیف های زیادی نقش داشتند و این به شکلی نیست که صرفاً از آن ستارخان و باقرخان شناخته شوند، گفت: حتی ستارخان و باقرخان با یکدیگر تفاوت شخصیتی و اخلاقی با همدیگر داشتند و آنچه مهم است باید بررسی کنیم که چرا ستارخانی که اسطوره مقاومت یک ملت است، بعد از مشروطه با اتهام بی سوادی از تبریز بیرون راندند.

وی ادامه داد: ستارخان بدنه اجتماعی جامعه را خیلی خوب می شناخت و توانست همه را متحد کند در حالیکه طرفداران تقی زاده سعی بر این داشتند تا او را تخریب و صرفاً یک فرد طماع با رؤیای سهم خواهی معرفی کنند.

کائینی گفت: در آن زمان برخی ها همه تلاش خود را کردند تا شخصیتی مثل ستارخان را تخریب کنند و حالا سوال اینجاست که کدام جریان منجر شد تا مشروطه ایجاد شود؟

این استاد تاریخ یادآور شد: ستارخان حسن نیت زیادی داشت به طوریکه با همه سم پراکنی ها و حتی خلع سلاح وی و مجروح کردن اش باز هم دست از مشروطه برنداشت.

در مشروطه چه کسانی دخیل بودند؟

وی خاطرنشان کرد: تبریز شناسی در مشروطه خود یک کتاب بزرگ برای تحقیق است.

کائینی متذکر شد: واقعیت این است که در جریان مشروطه، عناصر مختلف دخیل بودند، یعنی در مشروطه یک جریان چند گروه وجود داشت که گروه اول به شدت برایشان دغدغه بود که یک پدیده جدید و نارس با شرع انطباق داشته باشد و به عبارتی آنها مشروعه خواهان هستند.

وی ادامه داد: این گروه صرفاً مشروطه مشروعه می خواستند و اینگونه هم نامگذاری کرده بودند.

این استاد تاریخ معاصر توضیح داد: البته یک جریان مشروطه خواه مسلمان نیز وجود داشت که آنها هم البته از نظر دینی کاملاً مسلمان بودند و علمای بزرگی حمایشان می کردند اما بر این اعتقاد بودند که مشروطه ای که برکشیده از یک جامعه اسلامی است، به خودی خود مسلمان خواهد شد و خواهد ماند.

وی اضافه کرد: این گروه البته خیلی اصرار طبقه اول را نداشتند و گاهی هم دغدغه جماعت اول را به جا نمی دانستند که نمونه

این افراد، مرحوم آیت الله سید محمد طباطبایی و برخی از مراجع نجف بودند.

کائینی گفت: یک جریان سومی از روشنفکران سکولار نیز تشکیل شد که در بین خودشان هم یکسان نبودند، جریان اول با پایان مشروطه اول یا همان استبداد صغیر و فتح تهران به پایان خودش رسید و علامت آن اعدام و شهادت شیخ فضل الله در میدان توپخانه بود.

وی افزود: جریان دوم از متدینین مشروطه خواه هم علما و هم چهره های مثل ستارخان از عرصه بیرون رانده شدند و به خاطر همکاری که با مشروطه خواهان سکولار داشتند، در نهایت یا کشته شدند یا منزوی شدند.

وی افزود: طیف سوم که بی اعتنا به تاریخ و پیشینه ایران و مردم ایران بودند، همان ها فاتح مشروطه می شوند و تقریباً دیگر بعد از آن ردی از روحانیت و دغدغه مندان به مشروعه خواهان نیست و متأسفانه حکومت توسط همین افراد به رضاخان داده می شود.

وی در خصوص نقش زنان در مشروطه گفت: متأسفانه در مشروطه به نقش زنان توجه جدی نشده است و حتی وزن خاصی هم به این نقش قائل نشده اند که البته چندین سال تلاش هایی شد ولی آنچنان چشمگیر نبود.

وی متذکر شد: البته در آن زمان چه زن و چه مرد همه به دنبال عدالتخانه بودند و تلاش بر این بود که یکباره دعوای مشروطه و عدالتخانه شکل گرفت در حالیکه اگر عدالتخانه بود تفسیر با خودی ها بود ولی مشروطه شد و تفسیر به دست غریبه ها افتاد.

استاد تاریخ معاصر بیان داشت: خانم ها طرفدار عدالت بودند که البته بخشی از طرفداران سکولار نیز شازده های اروپا دیده بودند و مثل آقازاده های ناراضی امروزی بودند ولی در مجموع چه از طایفه تقی زاده باشند، چه از طایفه شیخ فضل الله نوری و غیره، همه دنبال عدالت بودند که این مسیر توسط نفوذی ها از ریل خارج شد و در نهایت به دست رضاخان قلدر رسید.

با مرور بر دوران مشروطه و نقش پررنگ آذربایجان در این جنبش، به اهمیت و ارزش تاریخی این منطقه در تحولات اجتماعی و سیاسی ایران پی می بریم.

هفته مشروطه فرصتی است تا با گرامیداشت یاد و خاطره مشروطه خواهان، به بررسی و تحلیل دستاوردهای این دوران بپردازیم و از درس های آن برای بهبود شرایط کنونی جامعه بهره برداری کنیم.